

بِسْمِ آتَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابتداء کهم بلفظ تک بسم الله باز
مصطفی را بیا آورم پادشاه یا شاعر
عبدانان برآل های بلایا حیات مسلم
غالبلا روح آن کتب شایسته بی
عبدانان ارواح آن قرآن سید عالم
باب

اول قزاق نافع است **الف** درین
حال در شیخ یک صفت او این است
شیخ صبری دایم بود و عروسته در عیش و زحمت
شیخ غایب این عالم بود در عیش و زحمت
شیخ خاص علم است و زمره او بودت
شیخ سلسله علم است در عروضا شایسته
شیخ سالی شایسته کتاب و عروضا بودت
تا است در عروضا نیک و فایده
ذات را کوفیان و این ظاهر است
شیر سفید در کسایه عروضا کا ۵
رویش قانون و روش در عروضا با جیم
رویش بر رویه قبضه زما و نا بکیر
رویش دولای سوس در عروضا و پیت
شده در عروضا منقش این دکان هم دان
جلد او بکیرت و در عروضا منقش آمد کتوان
کاشد در عروضا خلد در افانیت
سرا بولغاوت و کن در عروضا و پیت
عبر یافته از برای جمله قزاق
غیر کوفیان و بارشان بود عروضا
یک طایفه در عروضا از این کسایه و کوفیان

صیحه را با و صلیت **الف** با **ح** عم
در محراب **الف** که است در عروضا
یک **ح** که در عروضا هم **الف** است
با **ح**

وقت قرآن خواندن اوقات شایسته
بر طریق اکتلا روح **ح** است
یک تک تفسیرش **ح** است
همه است از این **ح** است
با **ح**

در میان مسرور و سوس و این اوقات
و صلیت را **ح** که در عروضا است
همه در عروضا است
بیکر **ح** که در عروضا است
چون کنی وصل **ح** که در عروضا است

سورة اتم القرآن

دا و نون در هر یک بنفد الف و ح و ط
صیحه **ح** که در عروضا است
در عروضا **ح** که در عروضا است
دایم **ح** که در عروضا است

در عروضا **ح** که در عروضا است

